

شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت در جهت دولت تراز

مهدویت

مرتضی حسن پور سرگرویی^۱

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت در دولت تراز مهدویت می‌پردازد. با توجه به اهمیت سرمایه انسانی در تحقق آرمان‌های مهدوی، این نوشتار به تحلیل روش‌های تربیتی لازم برای پرورش مدیران الگو و مؤثر می‌پردازد. در این مقاله، به روش‌های مختلفی چون استفاده از الگوهای مهدوی، توانمندسازی فکری، تقویت حس مسئولیت و ایجاد محیط سالم اشاره می‌شود. همچنین، نقش علمای دین به عنوان مشاوران و راهنمایان در تربیت نیروی انسانی کارآمد دولت تراز مهدویت مورد تأکید قرار می‌گیرد. این تحقیق، باهدف ارائه چارچوبی برای تربیت مدیران موفق و زمینه‌سازی برای ظهور مهدوی، به تحلیل و تبیین روش‌های مؤثر در این زمینه می‌پردازد. نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران کمک کند تا با بهره‌گیری از اصول مهدویت، نیروی انسانی کارآمدی را در زمینه تحقق اهداف دولت تراز مهدوی تربیت کنند. این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و نیز گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای به مسئله‌ی مذکور می‌پردازد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های تربیت، مدیر تراز، زمینه‌سازی، انقلاب اسلامی، انقلاب جهانی امام

مهدی فرج‌الشریف .
عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى

۱. فارغ التحصیل سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت قم و پژوهشگر مهدویت.

مقدمه

برای رسیدن به آرمان‌های مهدوی و پیشرفت در آن، به انقلاب مدیریتی نیازمند هستیم. مدیران سطوح مختلف در ایجاد دولتی در تراز دولت مهدویت، نقش اساسی و بسیار کلیدی دارند. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «برای یک کشور، برای یک تمدن، برای یک ملت، مهم‌تر از همه سرمایه‌ها، سرمایه انسانی است؛ یعنی اگر شما پول داشته باشید؛ اما سرمایه انسانی درست و حسابی نداشته باشید به جایی نمی‌رسید.»^۱ با توجه به این کلام، اهمیت پرداختن به این مسئله روشن است؛ چرا که برای رسیدن به نتیجه مطلوب و آرمان‌های مهدوی تربیت نیروی انسانی نقشی اساسی دارد.

در مورد پیشینه این موضوع، قبل از این تحقیق در مورد مدیریت اسلامی، مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است؛ اما در مورد مدیریت در جهت دولت تراز مهدویت مطلبی یافت نشد، فقط یک مقاله به نام «ویژگی‌ها حکومت مهدوی؛ تربیت نیروی انسانی لازم برای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» از علی‌اکبر حسینی دیده شد که ایشان به شیوه‌های تربیت پرداخته است. لذا نوشتار پیش رو، در صدد بیان شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت و در راستای دولت تراز مهدوی است، تا با بیان روش‌های تربیت نیروی انسانی بتوان الگویی برای تربیت نیروی انسانی موفق برای مدیریت در دولت مهدوی و زمینه‌سازی ظهور ترسیم کند.

زمینه‌سازی ظهور از برخی روایات، مانند این روایت نبوی گرفته شده است: «يُخْرِجُ نَاسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ^۲؛ مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می‌سازند.» بنابراین، تربیت نیروی انسانی تراز دولت مهدویت از چند جهت مهم به نظر می‌رسد و تأثیر فراوانی بر زمینه‌سازی ظهور دارد. از یک طرف می‌تواند به کارآمدی مدیر موفق منجر بشود و از سوی دیگر موفق می‌تواند ظرفیت‌های مهمی برای زمینه‌سازی ایجاد کند. ایجاد روحیه زمینه‌سازی در جامعه از دیگر آثار تربیت نیروی انسانی است و نیز تأثیرگذاری بر

۱. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳۹۸/۲/۱۱.

۲. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۳، ص ۳۶۵.

اخلاق و سبک زندگی عموم منتظران از دیگر تأثیرات آن است. لذا در این مقاله به مهم‌ترین این روش‌ها پرداخته می‌شود.

برخی از مهم‌ترین روش‌های تربیت نیروی انسانی مدیر کارآمد در جهت دولت زمینه‌ساز: برای تربیت نیروی کارآمد انسانی دولت تراز مهدویت، می‌توان به روش‌های تربیتی فراوانی اشاره کرد. این مقاله به دلیل رعایت اختصار به پنج روش از مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی می‌پردازد:

۱. روش ارائه الگوی حکومت مهدویت

بر اساس نظریه کارشناسان تربیت، «یکی از بهترین و مؤثرترین روش‌های تربیتی و اصلاح فرد و اجتماع، ارائه نمونه ترسیم الگو و سرمشق برای تربیت عملی انسان هاست. در این روش، نمونه‌ای عینی و قابل تقلید و پیروی، در برابر او قرار می‌گیرد و از آن جا که انسان فطرتاً الگو طلب و الگوپذیر است، سعی می‌کند در همه چیز، خود را شبیه آن الگوی مطلوب سازد و به دنبال او حرکت نماید.»^۱ برخی دیگر اهمیت الگو را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «تربیت ابتدایی هر انسانی، به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد و این مسئله تا دوران نوجوانی و جوانی ادامه می‌یابد.»^۲ مهم‌ترین الگوهایی که مدیران تراز دولت مهدویت می‌توانند از آن بهره ببرند، به سه نمونه در این جا اشاره می‌شود که عبارتند از: الگوی عدل‌گستری، الگوی صداقت، و الگوی عبودیت.

۱.۱ الگوی عدالت

در طول تاریخ، یکی از آرزوهای اساسی انسان، اجرای عدالت و تحقق آن در جامعه بوده است. در این خصوص، مکتب‌ها و اندیشه‌های گوناگون بشری و الهی، راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد کرده‌اند. تحقیقات در زمینه عدالت نشان داده است که فرایندهای عدالت در سازمان، نقش مهمی ایفا می‌کند و چگونگی برخورد با افراد در سازمان‌ها ممکن است باورها، احساسات، نگرش‌ها

۱. محمدیان، روش‌های تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۱۶۱.

و رفتار کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد.^۱ رفتار عادلانه از سوی سازمان با کارکنان عموماً به تعهد بیش تر آن‌ها نسبت به سازمان و رفتار شهروندی بهتر آن‌ها منجر می‌شود. از سویی دیگر، افرادی که احساس بی‌عدالتی کنند، به احتمال بیش تری سازمان را رها می‌کنند یا سطوح پایینی از تعهد سازمانی را از خود نشان می‌دهند و حتی ممکن است رفتارهای ناهنجار مثل انتقام جویی را شروع کنند.^۲

باتوجه به مطالب ذکر شده، یکی از محوری‌ترین فضیلتی که برای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است و همه مردم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با آن ویژگی می‌شناسند، عدل و قسط است و یکی از ویژگی‌های عصر غیبت، نبود حق و عدالت است؛ که جور و ستم همه شهرها را فرا می‌گیرد.^۳ اما حکومت مهدوی یکی از بارزترین خصوصیاتش عدل گستری و برقراری قسط و عدل است. بر اساس روایات، یکی از ویژگی بارز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت عدالت گستر ایشان است.^۴ مقام معظم رهبری در مورد این خصوصیت امام عصر ارواحنا فداه می‌فرماید:

«بزرگ‌ترین خصوصیت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که در دعاها و زیارات و روایات آمده است، عدالت می‌باشد: «مِلاً اللهُ به الارض قسطاً و عدلاً.» ما باید امروز جامعه را جامعه عدالت بکنیم، در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهم‌تر است.»^۵

همچنین در روایات ما آمده است: «أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ لَيْسَ شِيَابَ عَلِيٍّ وَ سَارَ بِسِيرَةِ عَلِيٍّ عليه السلام»^۶ عدالت در سیره امام علی عليه السلام محور مدیریت است، بدین معنا که هدف را تعیین و ویژگی‌های شاخص مدیران را معلوم می‌سازد؛ محور سیاست‌گذاری‌ها می‌شود؛ مسیر حرکت را

۱. تقوی راد، عدالت سازمانی در پرتوی رهبری اخلاقی، ص ۵۳.

۲. همان.

۳. «فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجُورَ قَدْ شَمَلَ الْبِلَادَ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ حُلِقَ وَ أُحْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وُجِّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۶).

۴. اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵. نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۱۲۰.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

مشخص می‌کند؛ معیار برای کارکردها می‌دهد و تراز سنجش‌ها و قضاوت‌هاست.^۱ بدین سبب، افرادی که مشتاق و خواهان کارگزاری حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، باید به طور ویژه خود را به این صفت ممتاز مزین کنند.

روایات فراوانی در مورد این خصیصه (عدالت) در خصوص امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در منابع روایی ملاحظه می‌شوند. از حضرت امیرالمؤمنین ع چنین نقل شده است: «وَ أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا.»^۲ نیز در مورد حکومت آن حضرت چنین آمده است: «حتی اگر به کسی ظلمی شده و حقی از او ضایع شده است، آن را به وی بازمی‌گرداند.»^۳ بر اساس روایات، عدالت مهدوی مختص گروهی خاص نیست، بلکه همه انسان‌ها را در بر خواهد گرفت. در روایتی آمده است: «آن‌گاه که بر پاک‌کننده عدل به پا خیزد، دادگری‌اش نیکوکار و فاجر را در برمی‌گیرد.»^۴

برای برقراری عدالت و عدل‌گستری، راهبردهایی نیز در روایات اشاره شده است که خود الگویی است برای عدالت‌محور بودن مدیران. یکی از راهبردهای عدالت‌گستری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زدودن افزون‌خواهی و مبارزه با زیاده‌خواهی است.^۵،^۶ یکی دیگر از راهبردهای ایجاد عدالت مهدوی ایجاد حس بی‌نیازی است که در این زمینه، روایت شده است: «و خداوند در دل‌های این امت بی‌نیازی قرار می‌دهد.»^۷

۱. جمعی از نویسندگان، دهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، ص ۲۶۲.

۲. «و اوست مهدی بی که همه زمین پر از عدل و قسط می‌کند همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده بود.» (صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۹).

۳. مولفان، معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۷، ص ۳۴.

۴. «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَعَّ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ» (برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۶۱).

۵. سلیمان، درسنامه مهدویت، ج ۴، ص ۷۹.

۶. «مُوسِعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُتَّفِقُوا مَعًا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عَدْوِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: حَوِّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُتَّفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۱).

۷. «يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا وَ يَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ» (اربلی، کشف‌الغمّه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۴۷۴).

۲.۱. الگوی صداقت

مهم‌ترین سرمایه مدیر و فرمانده در برنامه‌های اجرایی، همبستگی او با افراد زیر نظر و وجود اعتماد متقابل میان آنان است. یکی از راه‌های حفظ این همبستگی در مدیریت، صداقت در گفتار و عمل است. گاه یک سخن یا عمل خالی از صداقت، کافی است که میان مدیر و افراد زیر مجموعه او جدایی بیندازد. به همین دلیل، مدیر حتی از کارهایی که او را به ترک صداقت متهم می‌کند، هر چند واقعیتی نداشته باشد؛ باید بپرهیزد تا بتواند سرمایه عظیم اعتماد عمومی را حفظ کند.^۱

کارگزار حکومتی، به‌ویژه در بخش کار اطلاعاتی باید دارای امتیاز راست‌گویی و صداقت باشد تا بتوان به گزارش‌ها و حدس‌ها و قضاوت‌های او اعتماد کرد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «دروغگویی فرستادگان و نمایندگان، فساد آفرین و موجب فوت هدف و ضایع گردیدن دوراندیشی و نقض تصمیم‌هاست.»^۲ امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «دروغگو را به کار مگیر؛ چرا که او دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.»^۳

شهید مطهری در مورد ملاک آزاد بودن یا نبودن برخی احزاب، بر اسلامی بودن یا غیراسلامی بودن، تأکید ندارند؛ بلکه بر داشتن صداقت تأکید می‌کند و این‌گونه می‌نویسد: «یک حزب مادام که از روی صداقت در مسیر عقیده خودش حرکت می‌کند، از نظر اسلام قابل قبول است. ... یعنی جامعه اسلامی با او مبارزه می‌کند؛ ولی مبارزه فرهنگی و فکری نه مبارزه نظامی؛ ولی اگر گروهی؛ ولو حزب اسلامی باشد، ایدئولوژی اسلامی را مطرح کند و اساس نامه‌اش بر اساس اسلام باشد در کار خودش صداقت ندارد، دروغ می‌گوید و همان اسلام را وسیله اغفال مردم قرار داده، این معنا ندارد که آزاد باشد.»^۴ صداقت و صدق، هم صدق در قول، صدق در عمل و عقیده را شامل است.^۵

۱. اقتباس از: مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۴۲.

۲. «كَذِبَ الشَّافِرُ يُؤَلِّدُ الْفَسَادَ وَ يُغَوِّثُ الْمُرَادَ وَ يُبْطِلُ الْحَزْمَ وَ يَنْقُضُ الْعَهْمَ» (آمدی، غررالحکم، ص ۵۳۹).

۳. «لَا تَشْتَعِرْ بِكَذَابٍ فَإِنَّ الْكُذَّابَ يَقْرَبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعُدُ لَكَ الْقَرِيبَ» (حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۶).

۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۱۹۲.

۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۸.

بنابراین صادق کسی است که قائل به حق و عامل به آن باشد.^۱

مقام معظم رهبری نیز در زمینه صداقت مدیران می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین، یکی از خصوصیاتش این است که از مکر و فریب دور است، یک جمله‌ای که از حضرت نقل شده که «لولا التقی لکنت ادهی العرب»^۲؛ اگر تقوا دست‌وپای مرا نمی‌بست از همه آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم.»^۳ در جای دیگر فرمودند:

تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست، وعده‌های غیرعملی ملاک نیست، من با خود نماینده‌های محترم در دوره‌های مختلف وقتی مواجه شدم، به این‌ها گفتم: آقایان و خانم‌های نماینده، وظیفه نماینده این نیست که وعده عمرانی و فلان پروژه، فلان کار را در منطقه انتخابی خود به مردم بدهد، این‌ها کار اجرایی است، کار دولت است.^۴

برایان تریسی نیز در مورد ضرورت صادق بودن مدیر می‌نویسد:

یک مدیر می‌داند که صداقت، اعتماد و اعتبار، اساس رهبری است. صداقت به معنای انجام دادن کار درست است، به دلیل این‌که کار درستی است و همین مسئله باعث موفقیت می‌شود. صداقت به معنای گفتن حقیقت است، حتی اگر حقیقت ناخوشایند باشد. صادق بودن بهتر از فریب دادن دیگران است؛ زیرا در این صورت احتمالاً خود را هم فریب می‌دهد. مدیر نیاز دارد مطمئن باشد؛ اما همچنین باید پذیرای این باشد که ممکن است اشتباه کند.^۵

صداقت در معارف مهدویت از جهاتی، بیشتر مورد توجه است؛ یکی از مواردش این است که امام و رهبر حکومت به عنوان امام معصوم هم در قول و هم عمل و هم عقیده، صادق هستند و

۱. طوسی، التبیان، ج ۵، ص ۳۱۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴.

۳. بانکی پور فرد، رفیعی محمد، عیار مدیران، ص ۳۴۰.

۴. همان.

۵. برایان تریسی، رهبری، ص ۱۲۸.

در برخی از ادعیه، آن حضرت را به صورت خاص با لقب «الداعی الی الصدق المطلق» معرفی کرده‌اند.^۱ در زیارت آن حضرت در سرداب نیز می‌خوانیم: «و السّلام علی ... و موضع صدقه.»^۲ موضع صدق است که عدالت را در جهان برپا می‌کند و ظلم و ستم را از بین می‌برد. همچنین آن حضرت مشمول «صادقین» می‌باشد که بر اساس آیه شریفه «یا ایها الذّین آمنوا اتّقوا الله و کونوا مع الصّادقین»^۳ به اطاعت از آن‌ها مامور شده‌ایم و منظور «صادقین» در این آیه شریفه امامان معصوم‌اند.^۴ صادقین در آیه دیگر، این‌گونه توصیف شده‌اند که در عهد خود با خدا وفا دارند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ»^۵ حضرات معصوم که خود از صادقین هستند، در عهد خود با خدا صداقت دارند و هیچ‌گاه میدان جهاد را خالی نمی‌گذارند.^۶ بر این اساس، امام مهدی علیه السلام با که صداقت به عهد خود وفا می‌کند، می‌تواند به عنوان الگوی صداقت برای مدیران موفق معرفی شود.

۳.۱. الگوی عبادت و معنویت (جهاد با نفس)

یاوران امام عصر علیه السلام شب‌ها را به شب زنده داری و روزها را به روزه داری می‌گذرانند^۷ و همیشه خود را در حال امتحال می‌بینند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هَيَّاتِ هَيَّاتِ لَا يَكُونُ فَرَجًا حَتَّىٰ تُغْرِبْلُوا ثُمَّ تُغْرِبْلُوا ثُمَّ تُغْرِبْلُوا [يَقُولُهَا ثَلَاثًا] حَتَّىٰ يَذْهَبَ [اللَّهُ تَعَالَىٰ] الْكِدْرَ وَ يَبْقِيَ الصَّفْوُ؛ هَيَّاتِ هَيَّاتِ، فرج ما تحقق نمی‌پذیرد؛ مگر این‌که شما آزمایش شوید؛ باز هم آزمایش شوید؛ باز هم آزمایش شوید، [سه بار این را فرمود] تا آن‌جا که آلودگی برطرف شود و پاکی بماند.»^۸

۱. مجتهدی، صحیفه مهدیه، ص ۴۳۲.

۲. همان، ص ۶۱۳.

۳. توبه: ۱۱۹.

۴. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۵. احزاب: ۲۳.

۶. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۵ و طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۷.

۷. سلیمان، کامل، یوم الخلاص، ص ۲۷۹.

۸. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۳۳۹.

ظهور امام مهدی عجل الله فرجه به ایجاد زمینه‌هایی نیاز دارد. یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد زمینه‌های ظهور، تربیت یاران از بعد عبادی و معنوی است. لذا نیروسازی و تربیت منتظرانی کارآمد و تربیت نیروهای بالقوه به نیروهای بالفعل و تربیت آن‌ها در جهت زمینه‌سازی ظهور، امری بسیار مهم و ضروری است؛ چرا که ظهور، با وجود رهبر مصلح تنها اتفاق نمی‌افتد؛ وگرنه این، در زمان معصومان عجل الله فرجه نیز بود،^۱ بلکه باید یاورانی مطیع در سطح مدیریت جهان تربیت شوند.

از طرفی بر اساس قرآن کریم، «عبادت»، که به عنوان یکی از اهداف حکومت امام مهدی عجل الله فرجه است، طبعاً می‌تواند الگوی خوبی برای مدیران باشد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...»^۲، این آیه در مورد امام مهدی عجل الله فرجه است.^۳ نتیجه چنین حکومتی این است که تنها خداوند «عبادت» می‌شود؛ همه مظاهر شرک، از بین می‌رود؛ عبادات خالصانه تنها برای او خواهد بود و دیگر هیچ معبودی جز خدا، پرستیده نمی‌شود.^۴

در دولت آن حضرت، «نماز» اساس معنویات و عبادت قرار دارد و به صورت ویژه مورد تأکید است؛ چنانکه می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ

۱. مولفان، مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ج ۱، ص ۱۸۷.

۲. «خداوند به کسانی از شما که ایمان دارند و عمل صالح به جای آورند وعده داده است که در زمین خلافت دهد؛ چنانکه امم صالح پیامبران گذشته جانشین پیشینیان خود شدند، و دینی که برای آنان پسندیده بر همه جا مسلط و نافذ گرداند، و بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان، ایمنی کامل عطا فرماید که مرا عبادت و بدون هیچ‌گونه شرک پرستش کنند» (نور: ۵۵).

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹.

۴. یوسفیان، امام مهدی عجل الله فرجه در قرآن، ص ۴۱.

مَهْوًا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ^۱ که آیه در مورد حکومت امام مهدی علیه السلام است.^۲ در عصر ظهور تقویت و بنیان‌های معنوی و اعتقادی مورد توجه خاصی خواهد بود که می‌فرماید: «زمانی که قائم قیام کند، زمینی باقی نمی‌ماند، مگر آن که ندای توحید در آن جا شنیده می‌شود.»^۳

۲. روش توانمند سازی فکری (و تجربه)

«عقلانیت» یکی از خصوصیات است که لازم است در مدیر به عنوان رکن و معیار حاکم باشد. مقام معظم رهبری در این مورد فرمودند:

نظام جمهوری اسلامی نظامی است بر این پایه‌ها؛ نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی، عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست.^۴

از جمله امتیازات انسان بر سایر موجودات، داشتن قدرت تفکر و اندیشه است. تفکر و تعقل وسیله‌ای برای شناخت مشکلات و حل آن‌هاست. در این جا تأکید بر عقل مجرد نیست؛ بلکه از منظر قرآن، بر عمل اندیشیدن و تفکر تأکید دارد.^۵ از منظر قرآن کریم، افرادی که اهل تعقل و

۱. همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست» (حج: ۴۱).

۲. «فِي رِوَايَةٍ أَبِي الْجَازِوَدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» فَهَذِهِ لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَى آخِرِ الْأَيَّةِ، وَ الْمُهَدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، وَ يُظَهِّرُ الَّذِينَ وَ يُؤَيِّسُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ الشُّقَاءَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُبْرَى أَيْنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۰۶).

۳. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (حر عاملی، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۷۲).

۴. بانکی پور فرد، عیار مدیران، ص ۱۱.

۵. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا شُبْحَانِكَ فَعِنَا عَذَابِ النَّارِ» (آل عمران: ۱۹۱).

اندیشه نیستند و خرد خود را به کار نمی گیرند، مذمت شده اند.^۱ همچنین از دیدگاه قرآن کریم کسانی که اهل تفکر نیستند، نتیجه‌ای جز پلیدی و بدی نخواهند دید.^۲ روایات هم بر تفکر و اندیشیدن تأکید کرده اند. امام رضا علیه السلام در حدیثی فرموده اند: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».^۳

برای تربیت عقل، دین اسلام نخست عقل را از مطالب و محتواهایی که بر یقین استوار نیست، خالی^۴؛ و تأکید می کند از تقلید کور کورانه بپرهیزند^۵ و از اسلاف، پدران و گذشتگان خود بدون بررسی و تعیین درستی و نادرستی نظرشان پیروی نکنند^۶ و از ظن و گمان پیروی نکنند^۷، بدون تفکر تابع جمع نباشند.^۸ اسلام پس از تصفیه عقل از محتواهای نادرست، به گسترش محتوای درست و پرورش عقل توصیه و برای پرورش عقل بر مشاهده، تجربه و علم تأکید می کند.^۹ لذا یکی از راه‌های پرورش عقل مشاهده و تجربه می باشد و لازمه مدیریت مدیری است که از تجربه خوبی برخوردار باشد تا بتواند خردورزی بیش تری داشته باشد.^{۱۰}

در معارف مهدویت، روایات قابل توجهی به این بعد تربیتی، یعنی کمال فکری و عقلی در عصر ظهور در حدّ بالایی اشاره دارد.^{۱۱} در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ؛ وقتی قائم علیه السلام قیام کند، دست را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آن‌ها زیاد شده و فهمشان بالا

۱. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الْبِكْمِ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲)

۲. «وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (یونس: ۱۰۰)

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۵.

۴. احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۰۳

۵. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶).

۶. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره: ۱۷۰).

۷. «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس: ۳۶)

۸. «وَإِنْ تَطَعُوا لِيُطْعَمَ مِنْ فِي الْأَرْضِ يُصَلِّوْكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶۹).

۹. ر.ک: احمدی، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۰۶.

۱۰. همان

۱۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۶۶.

می‌رود.^۱ «احلامهم» در این روایت بدان معناست که عقل‌های آنان کامل می‌شود^۲ و منظور از جمع شدن عقول مردم، این است که در آن زمان، اختلاف و پراکندگی از مردم دور شده و همه به گرد دین حق جمع می‌گردند.^۳ پرورش خرد و اندیشه آدمی مکانیسمی است تأثیر گذار و باارزش بر رشد و شکوفایی معنوی او که بر اساس روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد.^۴ برای دوران قبل از ظهور و تربیت نیروی انسانی کارآمد در دولت تراز مهدویت، به نظر می‌رسد لازم است به این اصل و روش توجه ویژه‌ای شود و از آن الگوبرداری کنند، و مدیران کارآمد با یک روش عقلایی جمعی و رفع اختلافات جزئی و بی تأثیر یا کم تأثیر بتوانند جامعه شیعه را قبل از ظهور مدیریت و زمینه ظهور را فراهم کنند.

۳. روش ایجاد و تقویت حس مسئولیت و تعهد پذیری (نظارت درونی)

انسان موجودی است دارای اراده و اختیار. نقش اراده و اختیار در رفتار و شخصیت انسان به اندازه‌ای است که هر چند علل و عوامل بیرونی می‌توانند به میزان زیادی او را تحت تأثیر قرار دهند؛ انسان می‌تواند با تقویت اراده و اختیار خویش، از تاثیرهای نامطلوب این‌گونه عوامل بر روح و روان خویش بکاهد و حتی بر آن‌ها فایق آید. نظارت و هدایت از بیرون و از سوی والدین، مربیان و دیگر عناصر اجتماع می‌تواند تا حدی فرد را از انحراف‌ها باز دارد؛ اما تا وقتی زمینه‌های روحی و روانی لازم در او شکل نگیرد و انسان از اراده قوی برخوردار نگردد، نظارت بیرونی نمی‌تواند کار چندانی از پیش ببرد؛ لذا به این قاعده مهم باید توجه کرد که باید نقش اساسی را به خود فرد واگذار کرد و این امر در نوجوانان و جوانان اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که در دوره جوانی امکان پرورش نیروی اراده و خویشتن داری بیش‌تر فراهم است و نیز نقشی مهم در جهت پرورش حس

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَاهُمْ.» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵).

۲. مازندرانی، شرح الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

۳. همان.

۴. کارگر، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۶۸.

«مسئولیت فردی» دارد.^۱

از جمله اموری که نظارت درونی فرد را تقویت می‌کند، احساس حضور امام در میان مردم است و این یکی از آثار معرفت و شناخت صحیح از امام است؛ یعنی اگر کسی به شناخت درستی از امام دست یابد، به این نکته رهنمون می‌شود که امام در زندگی او بر رفتار او ناظر است. در گفتار خدای متعال نیز امر بیان شده است: «خدا و پیامبرش و مومنان عمل شما را می‌بینند.»^۲ بر اساس برخی از روایات با استناد به همین آیه شریفه، تمام اعمال مردم هر صبح به پیامبر عرضه می‌شود.^۳ برخی دیگر از روایات، از جمله در روایتی از امام باقر ع این عرصه اعمال هفته‌ای یک بار بیان شده است: «اعمال شما هر عصر پنج‌شنبه بر پیامبرتان عرضه می‌شود. بنابراین، باید از این که عمل زشتی از شما بر پیامبر ص عرضه شود، شرم کنید.»^۴ در این زمینه روایات بسیاری وجود دارند دال بر این که اعمال بندگان بر امام عرضه و لذا اعمال زشت برخی بندگان موجب ناراحتی امام می‌شود.

نظارت درونی در معارف مهدویت نیز مورد توجه بوده و بر آن تأکید شده است. آن حضرت ع در توقیعی می‌فرماید: «ما بر اعمال شما احاطه داریم و هیچ کاری از شما بر ما پوشیده نیست.»^۵ در جایی دیگر از آن حضرت این‌گونه نقل شده است: «ما، در رسیدگی به شما و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود،

۱. حاجی ده‌آبادی حسینی زاده بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، تهران، ۱۳۸۸، ص ۶۶.

۲. «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرُدُّوْنَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ» (توبه: ۱۰۵).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أُبْرَأُهَا وَ فُجَارُهَا فَأَحْذَرُهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ» وَ سَكَتَ (كلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹).

۴. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ الْخَمِيسِ فَلْيَسْتَحْيِ أَحَدَكُمْ أَنْ تُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ» (صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۲۶).

۵. «فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَحْبَابِكُمْ» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷).

دشواری‌ها و مصیبت‌ها، بر شما فرود می‌آید و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.»^۱ در ادعیه و زیارات مهدوی از امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام و وَعَلَيْهِ السَّلَام این‌گونه تعبیر آورده اند: «وَعَيْنِكَ النَّاطِقَةَ عَلَى بَرِيَّتِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ؛ و چشم ناظر تو بر مردم و شاهد تو بر بندگان».^۲ این گزارش‌ها بر این نکته دلالت دارد که حضرت بر اعمال شیعیان توجه دارند و بر اعمال آنان ناظر هستند.

پذیرش نقش نظارتی امام بر احوال افراد و عرضه اعمال بر آن حضرت، نقش بسیار مهمی در پویایی و بالندگی دین باوری همه منتظران و خصوصا مدیران تراز مهدویت دارد و دین باوری آنان موجب می‌شود در افراد و جامعه تغییر ایجاد کنند و آثار مطلوبی بر جای گذارد که این تغییرات هم ممکن است در ابعاد فردی رخ دهند و هم در ابعاد اجتماعی؛ و اعتقاد به این نظارت دائم از سوی امام بر رفتار مردم موجب می‌شود همه معتقدان در حالت مراقبت دائمی فرو روند و هنگام ورود در هر کار به نظارت امام عَلَيْهِ السَّلَام توجه کنند. باور به عرضه اعمال بر امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌تواند بر تربیت نیروی انسانی و ارتقای معنویت و تقویت ارزش‌های اخلاقی آنان بسیار موثر باشد.^۳ لذا مدیر و کارگزار زمانی که حس کند تحت نظر کنترل فرمانده است، بر رفتار خود بیش‌تر دقت می‌کند.

۴. روش ایجاد محیط سالم و مبارزه با انحرافات

این دو روش، با هم متفاوت هستند؛ ولی به دلیل این‌که خیلی نزدیک هم هستند و شباهت بسیاری دارند؛ در این جا تلفیق شده است. برای تربیت مدیران لایق نیز باید در محیطی سالم رشد کنند و هم در جهت مبارزه با انحرافات اقدام شود تا از آنان متاثر نشوند. محیط مساعد تربیتی برای یک تربیت همه جانبه از ضروریات است، اگر جامعه اصلاح نشده باشد، تلاش مریبان به

۱. «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمَرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵).

۲. همان، ج ۹۲، ص ۳۳۰ (دعا برای صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام)

۳. ر. ک: ملکی راد، مهدویت و سبک زندگی، ص ۱۴۴.

نتیجه مطلوب نمی‌رسد. جامعه فاسد افراد را به فساد می‌کشاند.^۱ مسئولیت مسلمان برای جلو گیری از مفسد به انذار و نهی از منکر محدود نمی‌شود و باید برای جلوگیری از انحرافات، اقدامی عملی بشود و جلوی انحرافات مسدود گردد.^۲

نحوه برخورد امام علی علیه السلام با معاویه به صورتی است که از هشدار شروع می‌شود و سپس به نهی از منکر می‌رسد و وقتی این روش‌ها نتیجه‌ای نداد، با عمال او در جنگ جمل و سپس با خود او در جنگ صفین روبه‌رو می‌شود و مبارزه عملی می‌کند. امام فرمود:

ای مؤمنان! کسی که ببیند که بر مردم ستم می‌کنند یا آنها را به منکری فرا می‌خوانند و او در دل انکار کند، سالم مانده و مبرا از گناه {است}؛ و هر که آن را به زبان انکار کند؛ از ثواب بهره یابد و او از آن که تنها به دل انکار کرده، برتر است و هر که آنرا با شمشیر (زد و خورد) انکار کند تا کلمه خدا (دین و توحید و طاعت) بلندتر و کلمه ستمکاران (شُرک و کفر و ضلالت و معصیت) پست تر باشد، کسی است که راه رستگاری را یافته و بر آن قیام کرده و نور یقین در قلبش درخشیده است.^۳

امام علی علیه السلام خوب می‌داند در صورتی برنامه‌های تربیتی و اجتماعی او عملی می‌شود که تبلیغات سوء و عوامل مخرب معاویه در کار نباشد و باید محیط سالم تربیتی وجود داشته باشد.^۴ از سویی دیگر مبارزه با انحرافات در دوران قبل از ظهور، به دلیل فراوانی و گستردگی فتنه‌ها اهمیت فراوانی دارد؛ همان‌طور که در ادعیه مهدوی می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَ غَيْبَةَ وَّلِينَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا».^۵ در روایتی دیگر شدت و گسترده فتنه‌های آخر الزمان به روی آوردن شب تاریک تشبیه

۱. احمدی، سید احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۴۹.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. «يَقُولُ يَوْمَ لَقِينَا أَهْلَ السَّامِ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عَدُوَّنَا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَاتَّكِرْهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيءٌ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ [نُور] نَوَّرَ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينَ» (شريف الرضي، نهج البلاغة، ص ۵۴۱).

۴. ر. ک: دکتر اصول و روش‌های تربیت در اسلام، ص ۲۳۵.

۵. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۴.

شده که همه جا را فرامی‌گیرد: «ای ابو خالد! فتنه‌هایی پدید می‌آید که مانند شب ظلمانی تاریک می‌باشد. کسانی از آن فتنه‌ها نجات پیدا می‌کنند که خداوند از آن‌ها پیمان گرفته [که در راه حفظ ایمان پیوسته ثابت بمانند] آن‌ها چراغ‌های هدایت و چشمه‌های دانش هستند...»^۱ در این دوران، انحرافات به حدی است که امام علی علیه السلام در این مورد فرمود: «در آن عصر دین مردم دچار نقصان خواهد شد و دیگر کسی «لا اله الا الله» نمی‌گوید.»^۲ در روایتی دیگر فضای قبل از ظهور این‌گونه ترسیم شده است: «همانا مهدی که زمین را پر از عدل و داد کند، بعد از آن که از جور و ستم پر شود؛ برای او پنهانی و سرگردانی است که مردمی در آن گمراه شوند و دیگرانی در آن ره جویند.»^۳ باتوجه به این‌گونه روایات، هم شدت فتنه‌ها و هم گستردگی آن‌ها مشاهده می‌شود و اگر برای تربیت نیروی انسانی کارآمد تراز دولت مهدویت به این مسئله توجه نشود و با آن مقابله نگردد، تربیت نتیجه مطلوبی نخواهد داد؛ همچنان که یکی از اهداف حکومت عدل مهدوی مقابله با شرور و ناراستی‌ها در جامعه است.^۴ روایات در این مورد این‌گونه است: «خداوند همه بدعت‌ها را به وسیله او نابود می‌کند و همه فتنه‌ها را به دست او از میان بر می‌دارد.»^۵ «او حق را با کلماتش تایید می‌کند و پشت کافران را در هم می‌شکند.»^۶ «به کتاب خدا عمل می‌کند و زشتی

۱. عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاثِلِيِّ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: «يَا أَبَا خَالِدٍ لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهَ مِيثَاقَهُ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ يَتَابِعُ الْعِلْمَ يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ كَأَنِّي بَصَاحِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ يَظْهَرُ كُوفَانٌ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةٌ عَشْرَ رَجُلًا جَبْرَيْئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامَهُ مَعَهُ زَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ ص قَدْ نَشَرَهَا لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵).

۲. ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۶۶.

۳. هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمَازُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَيْتَ جُورًا وَ ظُلْمًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸).

۴. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ص ۱۹۵.

۵. يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا، وَ يُؤَيِّثُ بِهِ الْفِتْنَ كُلَّهَا؛ (ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۶۵)

۶. و أما قوله: «لِيُحِقَّ الْحَقَّ» فإنه يعني ليحقق حق آل محمد حين يقوم القائم ع، و أما قوله: «وَ يُبْطِلُ الْبَاطِلَ» يعني القائم فإذا قام يبطل باطل بني أمية؛ (عباشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۰).

در شما نمی بیند، مگر این که از آن نهی می کند.»^۱

۵. روش عالم شناسی (مراجعه به عالمان دینی)

مدیران تراز دولت مهدویت، علاوه بر داشتن علم و تخصص، باید با علمای دینی ارتباط برقرار کنند و از مشاوره های آن ها بهره مند شوند. این امر می تواند به تقویت معرفت دینی و اخلاقی در مدیریت کمک کند. اولاً، دارا بودن تخصص و علم توسط مدیر، یکی از مواردی است که در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است و در برابر اعتراض معترضان و بنی اسرائیل به پادشاه خود که چرا طالبوت را فرمانده ما انتخاب کرده ای، او از مال بهره ای ندارد؛ می فرماید: «او از نظر علم و جسم قوی تر است.»^۲ در این جا بر داشتن علم تأکید دارد. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «از جمله شاخصه های مهم اصول گرایی، اهتمام به علم و پیشرفت علمی است... جامعه بدون علم نخواهد توانست آرمان های خودش را بالا بیاورد.»^۳

ثانیاً، اهمیت مسئله رجوع به عالمان دین در عصر غیبت دو چندان می شود؛ از معصومان علیهم السلام نیز هشدارهایی صادر شده است. از سویی دیگر، سرپرستی جامعه شیعه نیز به فقها و ولی فقیه واگذار شده است و لذا مدیر تراز مهدویت نمی تواند بدون ارتباط با دانشمندان دینی باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «به زودی زمانی بر امت من خواهد آمد که مردم از دانشمندان همچون گوسفندی در برابر گرگ می گریزند.»^۴ بنابراین، یکی از خصلت های منفی مردم در آخر الزمان، عالم گریزی و فاصله گرفتن از دانشمندان اصیل و امین و فرار از آن هاست. لذا یکی از

۱. إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ لَا يَبْرِي فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ۳۹۶).

۲. «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَلَيْسَ لَكَ عَلَيْنَا نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتِ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۴۷)

۳. بانکی پور فرد، عبار مدیران، ص ۲۲.

۴. «سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ عَنِ الذَّنْبِ ابْتِلَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ الْأَوَّلُ يَفْعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ الثَّانِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَانِرًا وَ الثَّلَاثُ يُخْرِجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِإِيمَانٍ» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۶).

روش‌های تربیت صحیح نیروی انسانی، روش عالم‌شناسی است؛ بدان معنا که انسان بتواند با علما ارتباط موثر برقرار کند این ارتباط‌گیری، علاوه‌آثار زیادی همچون الگوگیری از آنان موجب معرفت دینی افراد خواهد شد.

رجوع به عالمان دینی اصل قرآنی است که فرمود: ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.^۱ از امام‌هادی علیه‌السلام نقل شده است:

اگر در پس‌غیبت امام‌قائم علیه‌السلام علمایی نبودند که داعی به سوی او باشند به او اشاره و با براهین الهی از او دفاع کنند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب [= دشمنان اهل‌بیت] رهایی بخشند؛ همه مردم از دین خدا دست‌کشیده و مرتد می‌شدند؛ لکن علما، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند، همچون ناخدای کشتی که سکان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت‌های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می‌باشند.^۲

در این روایت، علمای راستین که در عصر غیبت، شیعیان را هدایت و سرپرستی می‌کنند، با فضیلت‌ترین مردم نزد خدا لقب یافته‌اند و این اهمیت کار آنان را می‌رساند. در توقیعی از ناحیه مقدسه امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفة نیز مردم، در پیشامدها و حوادث به علمای اسلام شناس ارجاع داده شده‌اند.^۳

روش تربیتی عالم‌شناسی و مراجعه به علما می‌تواند با راهنمایی و مشاوره و افزایش معرفت، منجر به تربیت نیروی انسانی موفق تراز دولت‌مهدوی شود و زمینه فرهنگی تربیت نیروی انسانی

۱. نحل: ۴۳.

۲. «لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ علیه‌السلام مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُتَّقِدِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَالِكِ إِبْلِيسَ وَ مَرْدِيَةِ وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لَمَا بَعِيَ أَحَدٌ إِلَّا اِزْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكُنْتُمْ الَّذِينَ يُمَسْكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلِيكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸).

۳. «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴).

را مهیا سازد.

همچنین از آن جا که دولت تراز مهدویت بر اساس اصول و ارزش‌های اخلاقی و انسانی است، و دانشمندان اسلامی منبعی برای علوم اسلامی هستند؛ می‌توانند افراد را با اصول اخلاقی آشنا کنند که این اصول را در زندگی خود تحقق بخشند تا از این رهگذر، انسانی مسئولیت‌پذیر و متعهد در جامعه باشند؛ چنان که خود علما مستقیم می‌توانند در دولت تراز مهدوی نقش کلیدی داشته باشند و پیشنهادها یا انتقادات خود را به مدیران برسانند و عملیاتی کنند.

نتیجه گیری

در این تحقیق، شیوه‌های تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه مدیریت و در بدنه دولت تراز مهدویت مورد بررسی قرار گرفت. باتوجه به اهمیت سرمایه انسانی در تحقق آرمان‌های مهدوی، مشخص شد که تربیت نیروی انسانی، نه تنها به عنوان ضرورت، بلکه به عنوان عامل کلیدی در ایجاد دولتی کارآمد و عدالت‌محور باید مورد نظر قرار گیرد. روش‌های مطرح شده استفاده از الگوهای مدیریتی مبتنی بر اصول مهدویت، تقویت حس مسئولیت و تعهد فردی، توانمندسازی فکری و خردورزی، و ایجاد محیط سالم و مبارزه با انحرافات را شامل است. همچنین، مراجعه به علمای دینی، به عنوان منبع معتبر برای کسب معرفت و هدایت در مسیر تربیت نیروی انسانی مؤثر و ضروری است. نتیجه‌گیری نهایی این است که با اجرای این شیوه‌ها و ایجاد نظام تربیتی منسجم، می‌توان زمینه‌های لازم برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق عدالت اجتماعی را فراهم کرد. در این زمینه، مدیران و مسئولان باید با درک عمیق از اصول مهدویت، به تربیت نسل‌های آینده بپردازند و با ایجاد فضایی مناسب، بسترهای لازم را برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم آورند.

منابع:

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، *التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن*، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۱۶ ق.
۴. _____، *التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن*، مؤسسه فرهنگی صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۱۶ ق.
۵. احمدی، سید احمد، *اصول و روش های تربیت در اسلام*، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲.
۶. _____، *اصول و روش های تربیت در اسلام*، جهاد دانشگاهی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۸. اسفندیاری، مصطفی، *حجت موجه*؛ مهم ترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت، بصیرت، تهران، ۱۳۸۶.
۹. اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف*، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۲۸ ق.
۱۰. اعرافی، علیرضا، *روش های تربیت*، بی جا، ۱۳۹۵. (کتابخانه دیجیتال نور)
۱۱. برایان، تریسی، *رهبری*، مترجم: حقیقی، صبا، انتشارات لیوسا، تهران، ۱۳۹۸.
۱۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
۱۳. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان؛ ۱۱/۵۲/۱۳۹۸ (نرم افزار حدیث ولایت نور).
۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، دار الکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.

۱۵. حاجی ده آبادی محمد علی؛ حسینی زاده سید علی، *بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، چاپ پنجم ۱۳۸۸.
۱۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. خامنه‌ای، علی، *نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)*، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۸.
۱۸. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، الدار الشامیة، بیروت، دمشق، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. سعدی، احمد، *بررسی چالش‌های جهانی پیش روی مدیریت مهدوی*، راهکاری برون رفت از آن، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعودف سال هفدهم، شماره ۵۹، زمستان ۱۳۹۶.
۲۰. سلیمیان، خدامراد، *درسنامه مهدویت*، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۹۵.
۲۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغة*، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، اعلمی، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ ق.
۲۳. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، لبنان، بیروت، ۱۳۹۰ ق.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۲۷. _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت، بی تا.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، مکتبة العلمیة الاسلامی، تهران،

۱۳۸۰ ق.

۲۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر الصافی**، مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.

۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، دار الکتاب، قم، ۱۳۶۳.

۳۱. کارگر، رحیم، **تعلیم و تربیت در عصر ظهور**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

، ۱۳۸۹.

۳۲. _____، **تعلیم و تربیت در عصر ظهور**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، قم،

۱۳۸۷.

۳۳. کریمی تبار، مریم، **اهداف دولت زمینه ساز ظهور**، مجموعه آثار چهارمین همایش

بین المللی دکترین مهدویت با رویکرد سیاسی و حقوقی، مؤسسه آینده روشن، قم.

۳۴. کارگر، رحیم، **آینده جهان** (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم، مرکز تخصصی

مهدویت، قم، ۱۳۸۷.

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۳۶. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، **شرح الکافی**، تهران، المکتبه الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.

۳۷. مجتهدی، مرتضی، **صحیفه مهدیه**، نشر الماس، قم، ۱۳۸۸.

۳۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الانور**، دار احیاء التراث العربی، بی جا، بی تا.

۳۹. محمدیان، مجید، **روشهای تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام**، خلق، قم، ۱۳۸۸.

۴۰. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، صدرا، قم، ۱۳۸۷.

۴۱. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، دار المفید، قم، ۱۳۷۲.

۴۲. ملکی راد، محمود، **مهدویت و سبک زندگی**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۰.

۴۳. مؤسسه معارف اسلامی، **معجم أحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف**، مسجد مقدس جمکران، قم،

۱۴۲۸ ق.

۴۴. موسوی نسب، جعفر، **دویست پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف**، فرهنگ

منهاج، تهران، ۱۳۸۶.

۴۵. مولفان، **مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت**، مؤسسه آینده

روشن، قم، ۱۳۸۸.

۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

۴۷. یوسفیان، مهدی، *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایران، تهران، ۱۳۸۷.

۴۸. سلیمان، کامل، *یوم الخلاص*، دارالمجتبی، قم، ۱۴۲۷ ق.

۴۹. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۲۵ ق.

۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *مدیریت و فرماندهی در اسلام*، نشر نسل جوان، قم، ۱۳۸۹.

۵۱. جمعی از نویسندگان، *دهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت*، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۳.

۵۲. تقوی راد، زهره، *عدالت سازمانی در پرتوی رهبری اخلاقی*، نشر رازنهان، تهران، ۱۳۹۹.

۵۳. ابن حیون، نعمان بن محمد، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.